



بررسی "منظورهای ضمنی" در گفتمان‌های کتاب سووشون اثر سیمین دانشور:

تکیه بر اصول همکاری گرایس و اصول ادب لیچ

آذر باقری مسعود زاده

دکترای آموزش زبان انگلیسی، بخش زبان انگلیسی، واحد کرمان، دانشگاه فرهنگیان، کرمان، ایران

اکرم شکاریان بهزادی (نویسنده مسئول)

دکترای زبان‌شناسی، بخش زبان انگلیسی، واحد کرمان، دانشگاه فرهنگیان، کرمان، ایران

علی اصغر رستمی ابوسعیدی^۳

دکترای زبان و ادبیات انگلیسی، بخش زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۱۰

چکیده

این پژوهش به تجزیه و تحلیل «منظورهای ضمنی» در گفتمان‌های کتاب سووشون اثر سیمین دانشور پرداخته و برای تفسیر آن‌ها از اصول همکاری گرایس و اصول ادب لیچ بهره برده است. همچنین این تحقیق کارکرد آن‌ها را در گفتمان‌های متن مورد نظر آزموده است. در واقع در این تحقیق، سعی بر این است مشاهداتی مبنی بر این که چرا و چگونه «منظورهای ضمنی» استنباط و درک می‌شوند ارائه شود. جهت جمع‌آوری داده‌ها، ابتدا محققان مکالمات حاوی منظورهای ضمنی از کتاب سووشون را استخراج کرده و موارد نقض و رعایت اصول همکاری گرایس در این مکالمات شناسایی و گردآوری گردید و سپس موارد رعایت اصول ادب لیچ استخراج

^۱. azar.bagheri000@gmail.com.

^۲. shekarian.akram@gmail.com

^۳. rostamiabu@uk.ac.ir

شدند و با استفاده از چارچوب نظری ذکرشده، موردبررسی و تحلیل قرار گرفتند تا منظورهای ضمنی بیان شده در این اثر را تبیین کند. داده‌ها در جدول و نمودارهای آماری تحلیل شدند و نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌ها بیانگر این بود که بیشترین موارد نقض اصول گرایس مربوط به اصل کمیت است. همچنین نتایج تحلیل‌ها بیانگر این بود که اصول ادب لیچ به‌صورت جامع قادر به تبیین موارد نقض اصول گرایس در متن موردبررسی نیستند. همچنین با توجه به نتایج به‌دست‌آمده بیشترین مورد رعایت اصول ادب مربوط به اصل کاردانی است و کمترین مورد رعایت مربوط به اصل فروتنی است.

کلیدواژگان: منظورهای ضمنی، اصول ادب لیچ، اصول همکاری گرایس، گفتار کنش

۱. مقدمه

مطالعه زبان در سطوح مختلف همیشه محققان علوم مختلف از جمله فلسفه، روانشناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و بالأخص زبان‌شناسی را مجذوب خودکرده است. بررسی، شناخت و تبیین زبان به‌عنوان پدیده‌ای پیچیده، زنده، زایا و در حال تحول و چگونگی درک این پدیده نیازمند رویکردی جزئی‌نگر و ژرف‌کاوی در بن‌مایه‌های زایش، شکل‌گیری و تولید واحدهای زبانی است؛ ضرورتی که درگذر زمان با پیشرفت مداوم زبان‌شناسی و رشته‌های مرتبط پیش‌ازپیش رخ می‌نماید. در راستای این مطالعات و تحقیقات، شاخه‌ها و رویکردهای مختلف زبان‌شناسی چون تحلیل گفتمان، معناشناسی، منظورشناسی و تحلیل گفتمان انتقادی پا به عرصه وجود گذاشته است. تجزیه و تحلیل گفتمان به همراه منظورشناسی نحوه کنش و واکنش عوامل متعدد در فرآیند آفرینش سخن، چگونگی ردوبدل کردن پیام بین سخن‌گویان و به‌طورکلی ماهیت جریان متبلور شدن «معنا» در صورت‌های زبانی را مطالعه می‌کند، بازده نهایی فرآیند سخن متن است که ماده اولیه تجزیه و تحلیل گفتمان است. (لطفی پور ساعدی، ۱۳۷۸).

منظورشناسی، زبان را در عمل و واقعیت و در بافت‌های متنی و موقعیت‌های زمانی و مکانی، به‌عنوان یک وسیله دارای نقش ارتباطی بررسی می‌کند. این شاخه از علم زبان‌شناسی به‌طور عمده با «منظورهای ضمنی» یک پاره‌گفتار سروکار دارد، به این معنا که به درک غیرمستقیم کلام در تعامل سخن‌گویان زبان و نیز تفسیر گفتار از منظور کلام اشاره دارد. این پژوهش با این پیش‌فرض که در کلام علاوه بر القاء منظورهای اولیه، منظورهای ضمنی و ثانویه نیز وجود دارد که با استفاده از اصول همکاری گرایس

(Grice) (۱۹۷۵) و ادب لیچ (Leech) (۱۹۸۳) به تجزیه و تحلیل منظوره‌های ضمنی و دوم در گفتمان‌های موجود در کتاب «سوشون» اثر سیمین دانشور می‌پردازد.

زبان پدیده‌ای بسیار پیچیده است که مطالعه آن را نمی‌توان به قلمرو خاصی محدود کرد. زبان و الگوهای زبانی چنان با افکار و احساسات ما پیوند خورده‌اند که جدا کردن آن‌ها از هم اغلب دشوار است. با همه این‌ها زبان‌شناسی به تحلیل مطالب مختلف زبانی در زمینه‌های گوناگون می‌پردازد. یکی از این زمینه‌ها تحلیل گفتمان است. گفتمان به‌طور کلی به بافت بزرگ‌تر از جمله اطلاق می‌شود و لذا تجزیه و تحلیل گفتمانی به‌طور قابل توجهی نظر محققین را در زمینه‌های مختلف زبان‌شناسی به خود جلب کرده است. یکی از این جنبه‌ها منظور شناسی است. این رویکرد، الزاماً بررسی چگونگی استنتاج‌های شنونده از آنچه بیان می‌شود و تفسیر وی از مقصود گوینده است. هر گفتمان ممکن است علاوه بر معنای تحت‌اللفظی اش منظوره‌های ضمنی نیز داشته باشد، در مواقعی که سخن‌گو نمی‌خواهد به دلایلی مانند ایجاد شرایط مؤدبانه و یا طنزگونه مستقیماً سخنی را بیان کند آن را به‌طور ضمنی به زبان می‌آورد که ممکن است گویشور مقابل، برداشتی از کلام او ارائه دهد که لزوماً نیز مقصود گوینده نباشد. «منظور ضمنی» بیشتر به منظور مقصود گویشور اشاره دارد تا به کلماتی که او به کار می‌برد. منظوره‌های ضمنی گفتاری در تحلیل گفتمان به‌عنوان ابزاری برای انتقال منظور کلام استفاده می‌شود که همان منظور ضمنی پاره‌گفتار است که در بافت و فضای خاص زبانی میان گوینده و شنونده اتفاق می‌افتد و بستگی به درک سخن‌گویان از «اصل همکاری» و مؤلفه‌های آن دارد.

گرایس که برای اولین بار اصل همکاری را ارائه نمود معتقد است، نقض چهار راهکار کمی‌ات (حقیقت‌گویی)، کیفیت (مختصر و مفید گویی)، تناسب (مربوط گویی) و شیو (بیان روشن و منظم و موجزگویی) باعث به وجود آمدن منظوره‌های ضمنی است. (گرایس، ۱۹۷۵). همچنین اصول ادب توسط لیچ (۱۹۸۳) برای تکمیل و رفع کمبودها و از جهت دیگر برای توجیه نقض اصول همکاری تعبیه شده‌اند، این اصول نیز مانند اصول همکاری عمل می‌کنند و شامل راهکارهای کاردانی، گشاده‌دستی، مردم‌داری و گشاده‌رویی، فروتنی، موافقت و همدردی هستند. او رعایت اصول فوق را علت استفاده (سخن‌گویان از منظوره‌های ضمنی می‌داند. همین عدم رعایت و تبعیت از اصول گرایس و لیچ است که استخوان‌بندی منظورشناسی را تشکیل می‌دهد. ادعایی که در اینجا زبان‌شناسانی چون یول (۱۹۸۵) مطرح می‌کنند آن است که راهکارهای گرایس جهانی هستند اما نحوه (اعمال آن‌ها در

ارائه (نقش‌های مختلف در زبان‌های مختلف با همدیگر متفاوت است. حتی گفتمان‌های یک‌زبان واحد نیز در مقایسه با همدیگر در ارائه منظور ضمنی به شیوه‌ی متفاوتی عمل می‌کنند. در این پژوهش نگارنده با استفاده از اصول همکاری گرایس (۱۹۷۵) و ادب لیچ (۱۹۸۳) به تجزیه و تحلیل منظورهای ضمنی و دوّم در گفتمان‌های موجود در کتاب «سووشون» نوشته سیمین دانشور می‌پردازد.

پژوهش حاضر جستاری است که در حوزه (زبان‌شناسی ادبیات مطرح می‌شود. در این راستا، پژوهشگران گفتمان‌های کتاب «سووشون» را جمع‌آوری نموده و در حوزه منظورشناسی «منظورهای ضمنی» این گفتمان‌ها را بر اساس «اصول همکاری» گرایس و «ادب» لیچ تجزیه و تحلیل می‌کند. در این تلاش محدود، سعی بر این است مشاهداتی مبنی بر این‌که چرا و چگونه چنین «منظورهای ضمنی» استنباط و درک می‌شوند ارائه شود. مثال‌هایی از این کتاب ارائه خواهد شد مبنی بر اینکه آیا این اصول جهت توضیح منظورهای ضمنی گفتمان‌های این اثر کفایت می‌کند یا نه؟ توماس (Thomas) (۱۹۸۳) اظهار می‌دارد که شیوه (درک منظورهای ضمنی از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است. بنابراین در ترجمه یک متن از زبانی به زبان دیگر، این تفاوت‌ها بین دو زبان باید مورد توجه قرار گیرد. یافته‌ها و توضیحات این پژوهش به مترجمان کمک می‌کند تا در شیوه ترجمه گفتمان‌هایی که در بردارنده‌ی منظورهای ضمنی هستند، دقت بیشتری به عمل آورند.

این پژوهش قصد دارد به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. بیشترین و کمترین موارد نقض اصول گرایس در متن کتاب «سووشون» مربوط به کدام راهکارهاست؟
 ۲. آیا موارد رعایت اصول ادب لیچ قادر به تبیین موارد نقض اصول گرایس است؟
 ۳. بیشترین و کمترین موارد رعایت اصول ادب لیچ مربوط به چه مواردی است؟
- فرضیه‌های پژوهش در زیر لیست شده‌اند:

۱. بیشترین موارد نقض اصول گرایس مربوط به اصل کمی‌ات است.
۲. موارد رعایت اصول ادب لیچ قادر به تبیین موارد نقض اصول گرایس است.
۳. بیشترین موارد رعایت اصول ادب مربوط به اصل کاردانی و کمترین مربوط به اصل همدردی است.

۲. چارچوب نظری جهت تحلیل داده‌ها

تحقیق و کوشش به منظور شناسایی هر چه بهتر نقش ارتباطی زبان با توجه به موقعیت و کاربرد آن و نقش بینا فردی زبان موضوع اصلی کار محققانی بوده است که در گستره شاخه نوپای زبان‌شناسی، یعنی منظورشناسی فعالیت می‌کنند. شاید نظریه گفتار- کنش آستین را، بتوان اولین نظریه منسجمی قلمداد کرد که در آن، اضافه بر نقش اندیشه ورزی یا محتوایی زبان، به نقش بینا فردی نیز توجه شده است (لاینز، ۱۹۹۶) (Lyons) است. آستین با مطرح کردن نظریه گفتار- کنش اظهار داشت که گویشوران زبان، در حین بیان فعل‌هایی چون قول دادن، نامیدن و غیره، نه تنها خبری را بیان می‌کنند، بلکه در عین حال، کنشی نیز انجام می‌دهند (کمپسون، ۱۹۸۹) (Kempson). پس از او زبان‌شناسان دیگری نیز کوشیده‌اند تا با وضع اصول و شعاعی به بررسی نقش بینا فردی زبان پردازند و تأثیر عوامل مختلف ناشی از موقعیت و کاربرد را بر جملات زبان مشخص سازند (لطفی پور، ۱۳۷۸). از جمله این اصول که در این پژوهش از آن‌ها برای تجزیه و تحلیل منظوره‌های ضمنی در مکالمات کتاب «سووشون» استفاده شده است، اصول همکاری گرایس و اصول ادب در گفتار لیچ هستند. شرح مختصر این اصول و قواعد به‌قرار زیر است:

۲-۱- اصل همکاری

اصول همکاری گرایس (۱۹۷۵) به شرح زیر است:

اصل همکاری: اظهارات خود را در جای مناسب به اندازه خواسته شده با در نظر داشتن هدف و جهت مکالمه ارائه کنید. اصول همکاری شامل کمی‌ات (در بیان خود، اطلاعات مورد لزوم را ارائه دهید)، کیفیت (آنچه را که معتقدید نادرست است و آنچه را که برایش شواهد کافی ندارید، نگوئید)، تناسب (بیان شما باید متناسب با موضوع و موقعیت و بجا باشد)، شیوه‌ی بیان (از ابهام اجتناب کنید و مختصر و منظم بگوئید. گرایس معتقد است که گویشوران زبان، به هنگام تبادل گفتار در کنش متقابل زبانی، به‌طور ضمنی خود را ملزم به رعایت اصول همکاری می‌دانند. اگرچه تخلف از هر یک از این اصول، به معنی مختل شدن ارتباط نیست، بلکه مخاطب را بر آن می‌دارد تا در پی کشف منظور طرف مقابل خود از نقض یک یا همه اصول یادشده برآید. این بدان معنی است که نقض هر یک از اصول یادشده منظور مندی خاصی را به دنبال خواهد داشت (براون و یول، ۱۹۸۹) (Brown & Yule). گرایس (۱۹۸۱)

بر این باور است دو سوی ارتباط، یعنی فرستنده و گیرنده باید دائماً در حال همکاری با یکدیگر باشند تا ارتباط صورت گیرد و همکاری نکردن هر یک از دو طرف موجب سترون ماندن ارتباط خواهد شد. در حقیقت خواننده یا شنونده هر لحظه در حال کنش متقابل با متن یا سخن است. چنانچه نویسنده یا گوینده ضوابط پیام‌رسانی را نقض کند و یا شنونده عامداً یا به دلیل وجود نقص در اندام‌های دریافت پیام، پیام را نگیرد، ارتباط حاصل نخواهد شد و به عبارت فنی‌تر گفتمان شکل نخواهد گرفت. رعایت اصول چهارگانه فوق، شکل‌گیری ارتباط را تضمین می‌کند.

۲-۲- اصول ادب لیچ

از دیدگاه پژوهشگرانی مانند لیچ (۱۹۸۳) ادب به منزله یک راهبرد (استراتژی) یا مجموعه‌ای از راهبردها تلقی می‌شود که گویشوران یک‌زبان برای تحقق هدف نهایی مانند برقراری یا تداوم روابط مسالمت‌آمیز، با مخاطبان خود به کار می‌گیرند. لیچ (۱۹۸۳) در بحث خود از «اصل همکاری» گرایس اظهار می‌دارد که بحث مجرد در اصل همکاری کافی نیست و باید آن را در ارتباط با اصول زبان مؤدبانه مورد بررسی قرارداد. لیچ سپس نتیجه‌گیری می‌کند که اصل همکاری گرایس به‌تنهایی کافی نیست و باید اصل زبان مؤدبانه نیز بدان افزوده شود. (لطفی پور ساعدی، ۱۳۷۸)

راهکارهای ادب شامل راهکار کاردانی (بیان باورهایی که دلالت بر زحمت و منفعت دیگران دارند به ترتیب به حداقل و حداکثر برسانید)، راهکار گشاده‌دستی (بیان باورهایی که دلالت بر منفعت و زحمت شما دارند به ترتیب به حداقل و حداکثر برسانید)، راهکار مردم‌داری و گشاده‌روی (بیاناتی که دلالت بر سرزنش/نکوهش و تصدیق/تمجید دیگران دارند به ترتیب به حداقل و حداکثر برسانید)، راهکار فروتنی (بیان تمجید از خود را به حداقل و سرزنش خود را به حداکثر برسانید)، راهکار موافقت (بیان عدم توافق و توافق بین خود و دیگران را به ترتیب به حداقل و حداکثر برسانید)، راهکار همدردی (انزجار بین خود و دیگران را به حداقل و نهایت همدردی را به حداکثر برسانید).

۳- پیشینه پژوهش

پیمانی (۱۳۷۶) به بررسی مقاصد ضمنی و ثانوی مکالمات قرآنی پرداخته است. وی در پژوهش خود نخست فهرستی از مکالمات موجود در قرآن به دست داده، سپس با استفاده از دو اصل همکاری گرایس و ادب لیچ به بررسی منظور ضمنی (تلویحی) مکالمات قرآنی پرداخته است. در این پژوهش مشخص

شده که بیشترین مورد از موارد نقض اصول گرایس در مکالمات قرآنی در اصل کمی‌ات، و کمترین آن‌ها در اصل شیوهی بیان است. بیشترین موارد رعایت اصول ادب نیز در اصول جاذبه و کنایه بوده است و هیچ موردی بر اصول گذشت، پولیانا، صحبت گشایی و متلک به چشم نمی‌خورد. پاکروان (۱۳۸۳) چهارده گفت‌وگوی فارسی را مورد بررسی قرار داده است، وی در این پژوهش برای بررسی منظور شناختی محاوره در فارسی از اصول همکاری گرایس و اصول ادب در گفتار لیچ بهره برده است. نتایج وی نشان داد که گویشوران گفت‌وگوهای یادشده بیش از آن‌که اصول گرایس و اصول لیچ را نقض کرده باشند، در رعایت آن کوشیده‌اند. از میان اصول گرایس، اصل کمی‌ات بیش از اصول دیگر نقض شده و اصل کیفیت بیش از اصول دیگر رعایت شده است. همچنین وی این نتیجه رسید که انسان‌ها زبان را تنها جهت بیان اطلاع یا به‌خودی‌خود به خاطر نقش محتوایی یا توصیفی آن به کار نمی‌گیرند، بلکه آنان در عین اطلاع‌رسانی، زبان را برای مقاصد و منظوره‌های دیگری نیز به کار می‌گیرند که مهم‌ترین آن‌ها، حفظ قراردادهای اجتماعی موجود است.

شاهسوندی و داوودی (۱۳۸۸) نظریه منظور ضمنی گفتاری گرایس را در گفتگوهای شخصیت‌های داستان‌های حضرت یوسف و موسی (ع) و ترجمه‌های فارسی و انگلیسی آن در قرآن کریم موردیابی و تحلیل نموده‌اند. بدین منظور منظور ضمنی گفتاری در گفتگوهای این دو داستان در چهار ترجمه‌ی فارسی و چهار ترجمه‌ی انگلیسی از آیات موردنظر موردنقد و بررسی قرار گرفت. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که علاوه بر این‌که مترجمان قرآن باید با تفاسیر قرآن آشنایی داشته باشند، باید تسلط زبانی و دانش زبان‌شناسی از دو زبان مبدأ و مقصد داشته و از دانش نظری ترجمه هم برخوردار باشند، چراکه بسیاری از مفاهیم قرآن کریم نظیر منظور ضمنی گفتاری به‌صورت تلویحی بیان شده که عدم احراز صلاحیت‌های فوق برای مترجم قرآن کریم باعث می‌شود ترجمه‌های ارائه‌شده آنچنان‌که در شأن قرآن کریم است مطلوب نباشد. از دگر یافته‌های پژوهش این بود که ساختار متمرکز و داستان‌گونه‌ی سوره‌ی حضرت یوسف (ع) در ارائه ترجمه‌های بهتر در مورد منظور ضمنی گفتاری به مترجمان کمک کرده است، اما در مورد داستان حضرت موسی (ع)، ترجمه‌های ارائه‌شده از منظور ضمنی گفتاری از کیفیت پایین‌تری برخوردار است.

صفا مقدم (۱۳۸۸) به مقایسه‌ی عناصر ادب در زبان کره‌ای و فارسی پرداخته است و معتقد است زبان‌های فارسی و کره‌ای گرچه به خانواده‌های زبانی متفاوتی تعلق دارند، دارای وجوه مشترک فراوان در

پدیده‌ی جهانی ادب هستند که ریشه در زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی دارد. نظام‌های طبقاتی و آیین کنفوسیوس از عوامل مؤثر در پیدایش ادب زبانی در این کشور دانسته می‌شود. مشابهت‌های تاریخی بین ایران و کره، و حضور فرهنگ اسلامی در ایران که بر رعایت ادب و احترام نسبت به بزرگان و بزرگ‌تران تأکید می‌کند از موارد عمده‌ی آن به شمار می‌روند. در همان سال، سیفی و محمود زاده (۱۳۸۸) نقش اصول همکاری گرایس در دستیابی به تعادل در ترجمه را با تأکید بر نقش اصول منظور شناختی بر روانی و قابل فهم بودن ترجمه را مورد بررسی قرار دادند. نتایج مؤید اهمیت اصل همکاری گرایس و نقش آن در ترجمه بودند. شرط کمی‌ات در ترجمه کمتر و شروط تناسب و شیوه‌ی بیان بیشتر مورد توجه قرار گرفتند. همچنین مشخص شد نقض شروط تناسب و شیوه‌ی بیان به ترتیب در آسیب رساندن به پیام نویسنده و متن مبدأ بیشترین تأثیر را دارند و شرط کمی‌ات از اهمیت کمتری برخوردار است.

یارمحمدی (۱۳۹۹) درباره‌ی «منظور شناسی جامعه‌شناختی» اظهار می‌دارد که قراردادهای اجتماعی خاص هر زبان و فرهنگی، زیرمجموعه‌ای از یک سلسله قراردادهای زیربنایی جهان‌شمول است. هر جامعه‌ای به فراخور حال، زیرمجموعه‌ای از این همگانی‌ها را برمی‌گزیند و به شیوه‌ی خاص خود و با تمهیدات زبانی مشخصی، به بیان آنان می‌پردازد. برای نمونه به نظر می‌رسد که تعارف غذا به میهمان، یکی از این همگانی‌های زیربنایی اجتماعی است که هر فرهنگی بسته به نیاز و فراخور حال خود، نوعی رفتار اجتماعی - زبانی خاصی را فرا راه‌گوشوران خود قرار می‌دهد.

بررسی پیشینه‌ی تحقیقات انجام شده که به نحوی با موضوع مورد بحث و بررسی این پژوهش در ارتباط بودند، نشان داد که هنوز هیچ پژوهشی در امر بررسی منظور شناختی اثر مورد نظر، با رویکرد مطرح انجام نگرفته است و این پژوهش می‌تواند با بهره جستن خلاقانه از اصول و روش‌های زبان‌شناسی نوین در تحلیل متون، به بررسی یک اثر فارسی در قالب چارچوب‌ها و شاخص‌های مورد نظر پردازد، تا از این راه ضمن معرفی الگویی نو در تجزیه و تحلیل متون ادبی (منظور شناسی)، یک رویکرد نو جهت بررسی نظام‌های گفتارهای گفتمانی در متون ادبی نیز به دست دهد. همچنین از جمله ضرورت‌های انجام این پژوهش بررسی اصول همکاری گرایس و ادب لیچ در تبیین معنای ضمنی یک اثر ادبی به عنوان یک گونه‌ی زبانی است. همچنین با انجام این تحقیق، امکانات و راهبردهای زبان فارسی در بهره‌گیری از

اصول زبانی جهانی بیان می‌شود. از طرف دیگر با انجام این پژوهش، جهانی یا زبان-ویژه بودن اصول همکاری گرایس نیز آزموده می‌شود.

۳. روش پژوهش

جامعه‌ی آماری این پژوهش را مکالمه‌های موجود در کتاب «سووشون» تشکیل می‌دهد. این اثر بیاد ماندنی نوشته «سیمین دانشور» همسر جلال آل احمد است. سووشون، در تیرماه ۱۳۴۷ چاپ و منتشر شده است. وقایع رمان «سووشون»، در سال‌های دهه بیست و در هنگامه جنگ جهانی دوم در شهر شیراز اتفاق می‌افتد. ارتش انگلستان که سابقه حضور نظامی در ایران را دارد، در خلال جنگ قشون خود را در فارس و شیراز مستقر کرده است و این سرآغاز شروع و شیوع قحطی و بیماری‌های واگیردار و درگیری‌ها و ماجراهای رمان است. «زری»، قهرمان اصلی رمان، زنی تحصیل کرده است که تمام هم و غمش حفظ بنیان خانواده‌اش در بلبشوی به وجود آمده است. زری خانواده‌اش را «وطن» کوچک خود می‌داند و تمام تلاش خود را به کار می‌بندد تا ایستادگی شوهرش در برابر حاکمان و بیگانگان، زندگی‌شان را از هم نپاشد.

شیوه جمع‌آوری اطلاعات به این صورت است که ابتدا پیکره داده‌ها مشتمل بر رمان «سووشون» نوشته سیمین دانشور انتخاب گردید، سپس این رم آن‌که شامل بیست‌وسه فصل است و از زاویه دید سوم شخص - محدود به ذهن (زری) برای روایت خود بهره می‌برد مورد مطالعه و بررسی دقیق قرار گرفت و تمامی مکالمات موجود در این کتاب که در بردارنده «منظورهای ضمنی» بودند مشخص شدند. سپس نویسندگان این تحقیق ۲۰ مکالمه را به صورت تصادفی جهت بررسی انتخاب کردند. پس از آن ابتدا موارد نقض و رعایت اصول همکاری گرایس در این مکالمات شناسایی و گردآوری گردید و سپس موارد رعایت اصول ادب لیچ استخراج شدند و با استفاده از چارچوب نظری‌ای بیان شده، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت، تا منظورهای ضمنی بیان شده در این اثر را تبیین کند.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات به صورت کیفی - توصیفی است، بدین روش که متن مورد نظر یا همان رمان «سووشون» مورد مطالعه دقیق قرار گرفت و تمامی مکالمات موجود در این متن که حاوی «منظورهای ضمنی» بودند استخراج شدند. برای تحلیل منظور شناختی این مکالمات، از هر دودسته اصول تعامل گرایس و قواعد آداب دانی در گفتار لیچ بهره گرفته شده است. در این تحلیل به دنبال همه‌ی

مکالمات که در بردارنده‌ی منظور ضمنی است جدولی آمده است که ستون‌های آن شامل شماره بندهای گفتگو، موارد رعایت و نقض اصول گرایس، موارد رعایت و نقض اصول ادب لیچ و منظورهای ضمنی است در مواردی که زیر عنوان منظور ضمنی چیزی وجود ندارد بدین معنی است که جمله یادشده فاقد منظور ضمنی است. علامت مثبت (+) در کنار هر اصل، نشانگر رعایت آن اصل توسط هم‌زبانان و علامت (-) نشان‌دهنده نقض آن است. در انتها، ابتدا موارد نقض و رعایت اصول گرایس، مورد تحلیل آماری قرار گرفته است تا معلوم شود گویشوران، در گفتار خود، بیشتر چه اصولی را نقض و چه اصولی را رعایت کرده‌اند. سپس موارد رعایت و نقض اصول ادب لیچ مورد تحلیل آماری قرار گرفته است تا مشخص شود موارد فوق تا چه اندازه به‌کارگیری منظورهای ضمنی را تبیین می‌کنند.

۴- بحث و یافته‌ها

این بخش شامل نمونه‌هایی از مکالمات در بردارنده منظورهای ضمنی است و پس از هر مکالمه جدولی آمده که نشان‌دهنده موارد رعایت و نقض اصول همکاری گرایس و ادب لیچ است.

مکالمه‌ی شماره ۱- فصل یک- ص ۸

۱- گیلان تاج گفت: «مامانم می‌گوید لطفاً گوشواره‌هایتان را بدهید. یک امشب به گوش عروس می‌کنند و فردا صبح زود می‌فرستند در خانه‌تان... تقصیر خانم عزت الدوله است که یک کلاف ابریشم آورده و به گردن عروس انداخته. می‌گوید سبز بخت می‌شود. اما دیگر هیچ چیزی که بهش بخورد در سرتاپای خواهرم نیست»

۲- زری گفت و صدایش می‌لرزید: «این رونمای شب عروسیم... یادگاری مادر آقااست...»

۳- گیلان تاج با بی‌حوصلگی گفت: «دارند مبارک باد می‌زنند. زود باشید. فردا صبح...»

۴- زری: «خیلی احتیاط کنید آویزه‌هایش نيفتند.»

بندها ی گفتگو	اصول همکاری گرایس	اصول ادب لیچ	منظورهای ضمنی
۱	۱-، ۲+، ۳+، ۴+	۱-، ۳-	-
۲	۱-، ۲+، ۳-، ۴-	۲-، ۴-	منظور گویشور به‌طور ضمنی این است که برایشی موردنظر ارزش زیادی قائل است.

منظور او این است که زودتر گوشواره‌ها را بده.	-۱	-۱، +۲، -۳، +۴	۳
نشان‌دهنده‌ی اهمیت شیئی موردنظر برای گویشور است.	-۲، -۴	+۴، +۳، +۲، -۱	۴

مکالمه‌ی شماره ۲ - فصل یک - ص ۱۶

۱- یوسف گفت: «مهمان ناخوانده بودنشان تازگی ندارد خان کاکا... از همه بدتر احساس حقارتی است که دامن‌گیر همه‌تان شده ... همه‌تان را در یک‌چشم به هم زدن کردند دلال و پادو و دیلماج خودشان. بگذارید لااقل یک نفر جلو آن‌ها بایستد تا توی دلشان بگویند: خوب آخرش یک مرد هم دیدیم.»

۲- خان کاکا رو کرد به زری و چشم‌هایش را به هم زد و گفت: «زن داداش تو چیزی بگو ... بین صاف و صریح به برادر بزرگش توهین می‌کند.»

۳- زری گفت: «من چه بگویم؟»

۴- خان کاکا به خود یوسف رو آورد و گفت: «جانم، عزیزم، تو جوانی و نمی‌فهمی. با این کله شقی باجان خودت بازی می‌کنی و برای همه‌مان دردسر می‌تراشی. آخر آن‌ها هم باید قشون به این بزرگی را نان بدهند. خودت که می‌دانی نمی‌شود قشون به این بزرگی را گرسنه نگه داشت ...»

۵- یوسف به تلخی گفت: «اما رعیت مرا می‌شود ... همشهری‌های مرا می‌شود گرسنه نگه داشت ...».

۶- خان کاکا گفت: «بین جانم، پارسال و پیرارسال را طفره رفتی و ندادی، ما جوروی رفع و رجوعش کردیم. اما امسال نمی‌شود فعلاً آذوقه و بنزین برای آن‌ها از توپ و تفنگ هم واجب‌تر است.»

۷- ابوالقاسم خان به زری نجوا کرد: «نکنند به سرش بزنند فردا عصر جشن آن‌ها نیاید. خسرو هم که دعوت کرده‌اند. خودم می‌آیم دنبالتان.»

۸- زری گفت: «فردا شب، شب جمعه است، می‌دانید که من نذر دارم.»

۹- ابوالقاسم خان چشم‌هایش را به هم زد و گفت: «زن داداش دستم به دامت!»

منظورهای ضمنی	اصول ادب لیچ	اصول همکاری گرایس	بندهای گفتگو
یک انسان شجاع هم دیدیم.	-۳، -۴	+۴، +۳، +۲، -۱	۱
-	-۱	+۴، +۳، +۲، +۱	۲

من راهی جز موافقت با او ندارم.	+۵،+۱	-۴،+۳،+۲،-۱	۳
	+۵،-۳	+۴،+۳،+۲،-۱	۴
اگر آن‌ها نمی‌توانند گرسنه بمانند رعیت من هم نمی‌توانند.	+۶،+۵	+۴،+۳،-۲،-۱	۵
-	-۴،-۳،-۱	+۴،+۳،+۲،-۱	۶
-	-۳،+۲	+۴،+۳،+۲،-۱	۷
نمی‌تواند بیاید.	+۵	+۴،-۳،+۲،-۱	۸
از او می‌خواهد که فردا از این کار صرف‌نظر کند و به او کمک کند.	-۱	+۴،-۳،+۲،+۱	۹

مکالمه شماره ۳- فصل دوم- ص ۲۲

- ۱- خان کاکا که وارد شد خواهرش گفت: «حلال‌زاده‌ای، ذکر خیرت را می‌کردم.»
- ۲- ابوالقاسم خان چشم‌هایش را به هم زد و گفت: «لابد می‌گفتی با این دوندگی که می‌کند حتماً وکیل می‌شود. وکیل می‌شوم. کلنل و قنصل را دیده‌ام. حاکم هم قول داده فقط سید لگد می‌اندازد. یک روز سر منبر تعریفم را می‌کند و روز دیگر می‌زند زیر حرف‌های خودش.»
- ۳- خانم فاطمه گفت: «لابد قند و چای تحفه‌ی ذهن سوزی نبوده!»
- ۱- خان کاکا تشرزد: «همشیره حواست کجاست؟ کدام قند و چای؟»

منظورهای ضمنی	اصول ادب لیچ	اصول همکاری گرایس	بندهای گفتگو
کنایه از اینکه به موقع آمدی و درباره‌ی تو حرف می‌زدیم.	+۳	+۴،-۳،-۲،-۱	۱
-	+۵،-۳،-۴	+۴،-۳،+۲،-۱	۲
یعنی از این موضوع باج دادن برای وکیل شدن خبر دارد.	-۳	-۴،-۳،+۲،-۱	۳
بهتر است جلوی خسرو در مورد آن حرف نزنیم.	-	+۴،-۳،-۲،-۱	۴

مکالمه شماره ۴- فصل دوم- ص ۲۴

یوسف نشست و از خان کاکا پرسید: «خدای‌نخواستۀ اتفاق افتاده؟»

ابوالقاسم خان جواب نداد. از جیبش یک کتاب کوچک درآورد. گذاشت روی میز: چشم‌هایش را به هم زد و گفت: «به این قرآن قسم بخور که امروز عصر می‌آیی و حرف‌های بی‌رویه هم نمی‌زنی. حالا نمی‌خواهی مازاد آذوقه دهات را به آن‌ها بفروشی، نفروش. لازم نیست به آن‌ها بگویی نمی‌فروشم - حواله‌شان بده به سر خرمن. تو که تا چند روز دیگر باید بروی گرمسیر - بگو خرمن را که برداشتم - چشم - می‌دهم فردا را کی دیده؟ شاید شکست خوردند و گورشان را گم کردند می‌گویند هیتلر یک بمب می‌سازد که دنیا را کن‌فیکون می‌کند ... حالا قسم بخور ...»

بندهای گفتگو	اصول همکاری گرایس	اصول ادب لیچ	منظورهای ضمنی
۱	+۴،+۳،+۲،+۱	-۳	به‌طور ضمنی او را سرزنش می‌کند که هیچ‌وقت بدون دلیل و منفعت به اینجا نمی‌آیی.
۲	-۴،-۳،-۲،-۱	-۳،-۱	-

مکالمه شماره ۵- فصل دوم- ص ۲۵

۱- زری حرف برادرشوهش را برید و گفت: «خان‌عمو عمه خانم اینجا بزرگ‌تر همه ما هستند و روی سر همه‌مان جادارند. اگر عمه خانم نبودند من تنها نمی‌توانستم باغ به این بزرگی را اداره کنم. بعلاوه حتی مهمان ما هم نیستند.»

۲- خان کاکا گفت: «بله می‌دانم. آتش خودشان را می‌خورند و حلیم دیگران را به هم می‌زنند.»

بندهای گفتگو	اصول همکاری گرایس	اصول ادب لیچ	منظورهای ضمنی
۱	+۴،+۳،+۲،-۱	+۴،+۳،+۱	مانند صاحب‌خانه هستند
۲	+۴،-۳،-۲،-۱	-۳	آن‌ها منفعت می‌برند و در کارهای دیگران دخالت می‌کنند.

مکالمه شماره ۶- فصل سوم- ص ۲۹

۱- خسرو اندیشناک گفت: «بابا باز از کلاس پنجم ابتدایی به بالا حرف زدی.»

۲- یوسف پرسید: «نفهمیدی چه گفتم؟»

۳- خسرو گفت: «چرا فهمیدم ... گفتی دوست داشتن سحر عیب نیست ... بعد گفتی باید غنچه‌ها را آب بدهم.»

۴- زری خندید و گفت: «تا تو منع مو کردی، مو شمردم صدو سی مورچه که رفت توای سوراخو.»

منظورهای ضمنی	اصول ادب لیچ	اصول همکاری گرایس	بندهای گفتگو
بیشتر از فهم من حرف زدی و من درک نمی‌کنم.	+۳،+۴	+۴،-۳،+۲،+۱	۱
-	-	+۴،+۳،+۲،+۱	۲
-	-	-۴،+۳،+۲،-۱	۳
وقتی که حرف می‌زدی خسرو از حرف‌هایت چیزی نفهمیده.	+۱	+۴،-۳،+۲،-۱	۴

مکالمه شماره ۷- فصل سوم- ص ۳۰-۳۱

۱- غلام با کلاه نم‌دی همیشگی تو آمد. خسرو پرسید: «نعل بند آمده؟»

۲- غلام رو به یوسف جواب داد: «زنش آمده می‌گوید تب کرده افتاده ...»

منظورهای ضمنی	اصول ادب لیچ	اصول همکاری گرایس	بندهای گفتگو
-	-	+۴،+۳،+۲،+۱	۱
منظورش این است که نیامده.	+۶	+۴،+۳،+۲،-۱	۲

مکالمه شماره ۸- فصل سوم- ص ۳۱

۱- «خوب چند می‌ستانی؟»

۲- طبق کش اولی که مخاطب بود جواب داد: «کجا باید بروم؟»

منظورهای ضمنی	اصول ادب لیچ	اصول همکاری گرایس	بندهای گفتگو
-	-	+۴،+۳،+۲،+۱	۱

جایی که باید برود از پول مهم‌تر است و بعد مشخص می‌شود منظور او این است که به جای پول به او نان بدهد.	-	+۴،-۳،+۲،-۱	۲
--	---	-------------	---

مکالمه شماره ۹- فصل سوم- ص ۳۱

زری گفت: «باشد.» و رو به غلام گفت: «نفری ده تا نان بهشان بده.»
 طبق کش اولی گفت: «راه من دورتر است، ولی باشد. او بچه‌اش مرض گرفته. همین مرضی...»

منظورهای ضمنی	اصول ادب لیچ	اصول همکاری گرایس	بندهای گفتگو
-	+۵،+۲،+۱	+۴،+۳،+۲،+۱	۱
یعنی باید به من نان بیشتری بدهید.	-۴،-۳،+۶،+۵،+۲	+۴،-۳،+۲،-۱	۲

مکالمه شماره ۱۰- فصل سوم- ص ۳۲

۱- زری گفت: «با درشکه می‌روید. در یک قدم، دو قدم راه کسی نان از شما نمی‌فاید.»
 ۲- همان طبق کش اولی گفت: «مثل اینکه خانم اهل این شهر نیستند.»

منظورهای ضمنی	اصول ادب لیچ	اصول همکاری گرایس	بندهای گفتگو
-	+۱	+۴،+۳،+۲،+۱	۱
یعنی از اوضاع خبر ندارد.	+۳	-۴،-۳،-۲،-۱	۲

مکالمه شماره ۱۱- فصل سوم- ص ۳۵

۱- خان کاکا چشم‌هایش را به هم زد و گفت: «کاری است گذشته و سبویی است شکسته.»
 ۲- زینگر بخشم گفت: «تو شعر گویی می‌کن و حواس مرا پرت می‌کن.»

منظورهای ضمنی	اصول ادب لیچ	اصول همکاری گرایس	بندهای گفتگو

با نظرت موافقم ولی بهتر است موضوع بحث را عوض کنیم.	+۵	+۴،-۳،+۲،-۱	۱
می دانم قصدت از این شعر گویی ها منحرف کردن بحث است.	-۵،-۳	+۴،-۳،+۲،+۱	۲

مکالمه شماره ۱۲- فصل چهارم- ص ۴۲

۱- زری حیرت زده داد زد: «ملک رستم خان! این چه ریختی است؟ شما که زهره مرا بردید.»

۲- ملک رستم انگشت گذاشت روی سبیل هایش و گفت: «هیس! آهسته. منتظر یوسف می نشینم.»

منظورهای ضمنی	اصول ادب لیچ	اصول همکاری گرایس	بندهای گفتگو
چرا به این هیبت ناخوشایند درآمده اید؟	-۳	+۴،+۳،-۲،-۱	۱
مسئله مهمی پیش آمده که با این قیافه به دیدن یوسف آمده اند	-۱،-۵	+۴،-۳،+۲،-۱	۲

مکالمه شماره ۱۳- فصل چهارم- ص ۴۳

۱- زری گفت: «لابد این نقشه هم که چادر سر کنید نقشی سهراب خان بوده. هنوز دست از شیطن

بچگی برنداشته، سهراب خان، یادت است. چه آتشی می سوزانیدی؟»

۲- ملک سهراب خندید: «مگر ممکن است یادم برود؟ اما چادر سر کردیم که نشناسدمان. اگر گیرمان

بیاورند تکه بزرگمان گوشمان خواهد بود.»

منظورهای ضمنی	اصول ادب لیچ	اصول همکاری گرایس	بندهای گفتگو
-	-	+۴،+۳،+۲،-۱	۱
هرگز یادم نمی رود، توی دردسر افتادیم.	+۵	+۴،+۳،+۲،-۱	۲

مکالمه شماره ۱۴- فصل چهارم- ص ۴۵

۱- پرسید: «خانم زهرا، رفتید تو فکر، نکند مزاحمتان شده باشیم؟»

۲- زری خندید و گفت: "چه حرفها! یادم افتاده بود اولین شبی که من به چادر ایلخانی آمدم. سال اول عروسی مان بود."

منظورهای ضمنی	اصول ادب لیچ	اصول همکاری گرایس	بندهای گفتگو
مشکلی پیش آمده؟	+۱	+۴،+۳،+۲،-۱	۱
اصلاً مزاحم نیستید.	+۱	+۴،+۳،+۲،-۱	۲

مکالمه شماره ۱۵- فصل چهارم- ص ۴۵

۱- در این موقع خدیجه تو آمد، حیرت زده به مردهای چادرنمازی نگاه کرد پرسید: «تو تاریکی نشسته‌اید چراغ‌ها را روشن بکنم؟»
۲- نه.

منظورهای ضمنی	اصول ادب لیچ	اصول همکاری گرایس	بندهای گفتگو
به چه دلیل در تاریکی نشسته‌اید؟	+۱	+۴،+۳،+۲،-۱	۱
-	-	+۴،+۳،+۲،+۱	۲

مکالمه شماره ۱۶- فصل چهارم- ص ۴۷

۱- یوسف پکی به قلیان زد و گفت: «ای‌والله، سهراب جان خوب گفتی. برگشتید سرکار و کاسبی تان. یعنی ایل برای شما شده یک دکان. باهاش معامله می‌کنید.»
۲- ملک رستم گفت: «باور کن خودشان از اول گز نکرده پاره کرده بودند.»

منظورهای ضمنی	اصول ادب لیچ	اصول همکاری گرایس	بندهای گفتگو
---------------	--------------	-------------------	--------------

اصلاً حرفت درست نیست.	-۳	+۴،+۳،-۲،-۱	۱
ما در این ماجرا مقصر نیستیم.	-۳	+۴،+۳،+۲،-۱	۲

مکالمه شماره ۱۷- فصل چهارم- صص ۴۹-۵۰

۱- یوسف داد زد: «آذوقه می خواهید که بدهید به قشون خارجی و عوضش اسلحه بگیرید و بیفتید به جان برادرها و هم وطن های خودتان؟ یک لایش کردیم نرسید، حالا دولایش می کنیم...»

۲- ملک سهراب تقریباً با التماس گفت: «می دانید که ایل را در کام فیروز متوقف کرده اند؟ می دانید که اجازه بیلاق نداده اند؟ دوروبرمان همه اش توپ و تفنگ خودی هاست. علف های دامنه کوه ها دست نخورده دارند خشک می شوند و گوسفندهایمان از بی علفی و از بی آبی له له می زنند.»

منظورهای ضمنی	اصول ادب لیج	اصول همکاری گرایس	بندهای گفتگو
آذوقه به خودتان هم نمی رسد آن وقت می خواهید آن را به بیگانگان بدهید.	-۳	-۴،+۳،+۲،-۱	۱
-	+۵،+۳	+۴،+۳،+۲،-۱	۲

مکالمه شماره ۱۸- فصل چهارم- صص ۵۰-۵۱

۱- ملک سهراب خشمگین تر شد: «عجب آدمی هستید! هر چه سر زبانتان می آید، می گوید بی اینکه فکر کنید ممکن است اشتباه کرده باشید. کی مرا واسطه کرده؟ چرا خودتان هی جلو خودتان پا می شوید؟ مگر شما کی هستید؟ و آن وقت چه اشتباهاتی؟ آفتابه طلا به ما چه مربوط است؟ تقصیر داود خان را هم پای ما می نویسید؟ چرا؟ به چه حق؟»

۲- یوسف آرام گفت: «همه تان سروته یک کرباسید.»

منظورهای ضمنی	اصول ادب لیج	اصول همکاری گرایس	بندهای گفتگو
خودتان هم کمتر از دیگران اشتباه نکرده اید.	-۳	-۴،+۳،+۲،-۱	۱

شما هم با آن‌ها فرقی ندارید. مانند آن‌ها ظالم هستید.	-۳	+۴،-۳،+۲،+۱	۲
---	----	-------------	---

مکالمه شماره ۱۹- فصل چهارم ص ۵۱ یوسف آهی کشید و گفت: «آتش بر سر خودم هست.»

۱- سهراب تبسمی کرد و گفت: «نمی‌خواستم شمارا برنجانم، بازهم عذر می‌خواهم.»

۲- یوسف خندید و گفت: «سهراب جان یک بار زیر دنبه مرا دیدی و چه شلتقایی کردی؟ خوشم آمد.

جربزه‌داری، منتها روشن نیستی.»

۳- ملک سهراب به نرمی گفت: «خوب برادر جنگ است دیگر. در جنگ که نان و حلوا پخش

نمی‌کنند.»

منظورهای ضمنی	اصول ادب لیچ	اصول همکاری گرایس	بندهای گفتگو
از دست آن‌ها آزرده‌خاطر شده است.	+۳	+۴،-۳،+۲،-۱	۱
-	+۲،+۴،+۱	+۴،+۳،+۲،+۱	۲
فقط کمی از خشم و جذبه من را دیدی.	+۵، +۳	+۴،-۳،+۲،+۱	۳
وجود این سوءتفاهم‌ها در شرایط فعلی عادی است.	+۵	+۴،+۳،+۲،+۱	۴

مکالمه شماره ۲۰- فصل چهارم ص ۵۲

۱- ملک سهراب گفت: «ما کم کم باید برویم، خوب است برگردیم سر اصل مطلب. آخرش نفرمودی

به ما آذوقه می‌فروشی یا نه؟»

۲- ملک رستم خندید و گفت: «نگفت؟ دیگر چطوری بگویند؟ این همه یاسین خواند...»

منظورهای ضمنی	اصول ادب لیچ	اصول همکاری گرایس	بندهای گفتگو
-	-۱	+۴،+۳،+۲،+۱	۱
جواب او مشخص است که منفی است.	-۳، +۱	-۴،+۳،+۲،-۱	۲

۴-۱- تجزیه و تحلیل بندهای حاوی منظورهای ضمنی بر اساس اصول همکاری گرایس و اصول ادب لیچ

جدول ۱- تعداد و درصد موارد رعایت اصول گرایس در بندهای حاوی منظورهای ضمنی

گرایس	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی نسبی تجمعی	درصد
اصل کمیت	۱۲	۵/۶	۵/۶	۵/۱۶
اصل کیفیت	۷۴	۳۴/۷	۴۰/۴	%۳۴/۹
اصل تناسب	۵۲	۲۴/۴	۶۴/۸	%۲۴/۴
اصل شیوه بیان	۷۵	۳۵/۲	۱۰۰	۳۵/۱۱

جدول فوق تعداد هر یک از موارد رعایت اصول گرایس در بندهای حاوی منظورهای ضمنی را نشان می‌دهد، همان‌گونه که مشهود است اصل شیوه بیان با ۳۵/۱۱٪ در جایگاه اول قرار دارد و با اختلاف ناچیز اصل کیفیت با ۳۴/۹٪ در جایگاه بعدی قرار می‌گیرد و اصول تناسب و کمیت به ترتیب با ۲۴/۴٪ و ۵/۶٪ جایگاه‌های سوم و چهارم را به خود اختصاص می‌دهند، با احتساب موارد فوق بیشترین مورد رعایت شده در بندهای حاوی منظورهای ضمنی مربوط به اصل شیوه بیان و کمترین مورد رعایت شده به اصل کمیت تعلق دارد.

جدول ۲- تعداد و درصد موارد نقض اصول گرایس در بندهای حاوی منظورهای ضمنی

گرایس	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی نسبی تجمعی	درصد
اصل کمیت	۸۰	۵۱/۶	۵۱/۶	۵۱/۱۶
اصل کیفیت	۱۸	۱۱/۶	۶۳/۲	%۱۱/۶۱
اصل تناسب	۴۰	۲۵/۸	۸۹	%۲۵/۸

اصل				۱۰/۹۶%
شیوه	۱۷	۱۱	۱۰۰	
بیان				

جدول فوق نشان می‌دهد که بیشترین مورد نقض اصول گرایش دربندهای حاوی منظوره‌های ضمنی مربوط به اصل کمیت با ۵۱/۶۱% است، اصول تناسب و کیفیت با ۲۵/۸% و ۱۱/۶۱% در جایگاه‌های سوم و چهارم قرار دارند و درنهایت اصل شیوه بیان با ۱۰/۹۶% کمترین موارد نقض اصول گرایش را به خود اختصاص داده است.

جدول ۳- تعداد موارد رعایت اصول ادب لیچ

لیچ	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی نسبی تجمعی	درصد
اصل کاردانی	۱۸	۲۸/۱	۲۸/۱	۲۸/۱%
اصل گشاده‌دستی	۵	۷/۸	۳۵/۹	۷/۸۱%
اصل مردم‌داری و گشاده‌رویی	۱۶	۲۵	۹/۶۰	۲۵%
اصل فروتنی	۴	۶/۲	۶۷/۲	۶/۲۵%
اصل موافقت	۱۳	۲/۳	۸۷/۵	۲۰/۳۱%
اصل همدردی	۸	۱۲/۵	۱۰۰	۱۲/۵%

جدول فوق بیانگر تعداد و درصد موارد رعایت اصول ادب دربندهای حاوی منظوره‌های ضمنی است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود بیشترین مورد رعایت اصول ادب دربندهای حاوی منظوره‌های ضمنی مربوط به اصل کاردانی با ۲۸/۱۲% است و کمترین مورد رعایت مربوط به اصل فروتنی به میزان ۶/۲۵% است.

جدول ۴- تعداد موارد نقض اصول ادب لیچ

لیچ	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی نسبی تجمعی	درصد
اصل کاردانی	۵	۸/۳	۸/۳	۸/۳%

اصل گشاده دستی	۵	۸/۳	۱۶/۷	%۸/۳
اصل مردم‌داری و گشاده رویی	۳۱	۵۱/۷	۶۸/۳	%۵۱/۶
اصل فروتنی	۸	۱۳/۳	۸۱/۷	%۱۳/۳
اصل موافقت	۱۱	۱۸/۳	۱۰۰	%۱۸/۳
اصل همدردی	۰	۰	۱۰۰	۰

همان‌طور که مشاهده می‌شود بیشترین مورد نقض اصول ادب در منظورهای ضمنی مربوط به اصل مردم‌داری و گشاده‌روی با میزان %۵۱/۶ است.

۴-۲- تجزیه و تحلیل داده‌ها در بندهای حاوی منظورهای ضمنی

با بررسی نتایج به دست آمده از تحلیل پیکره داده‌ها می‌توان دریافت که گویشوران گفتگوهای یادشده در افاده منظورهای ضمنی از میان اصول گرایس بیشتر اصل کمیت را نقض کرده‌اند. این شرط بیانگر رعایت اندازه در گفتار یا نوشتار است. نقض اصل کمیت بیانگر این ادعاست که گویشوران گفتگوهای مذکور در افاده منظورهای ضمنی بیشتر کم‌گویی یا پرگویی کرده‌اند یعنی در گفتار حد و اندازه را رعایت نکرده‌اند. نتیجه به دست آمده در این مورد با نتیجه به دست آمده از تحلیل منظور شناختی محاوره توسط پاکروان (۱۳۸۳) برابری می‌کند. او در نتیجه‌گیری خود بر اساس قراردادهای اجتماعی خاص زبان فارسی اظهار داشته است که فارسی‌زبانان در تعاملات روزانه خود اصل کمیت را بیش از دیگر اصول نقض می‌کنند، این نقض، نه در جهت کم‌گویی بلکه در جهت پرگویی بوده است. این بدان معنی است که زیاده‌گویی در گفتار، به‌ویژه در تعارفات، لازمه‌ی کنش‌های زبانی یادشده به‌طور اخص، و جزء لاینفک کنش زبانی فارسی‌زبانان در سبک یادشده است. از میان اصول گرایس بالاترین درصد رعایت مربوط به اصل شیوه بیان با میزان %۳۵/۱ و با اختلاف ناچیز به اصل کیفیت با میزان %۳۴/۹ تعلق دارد، بر اساس اصل شیوه بیان نباید هیچ‌گونه نارسایی در جریان انتقال پیام و ساختار جملات وجود داشته باشد و هم‌چنین جملات و عبارات نباید پیچیده باشند. نتیجه‌ی به دست آمده در این مورد می‌تواند بیانگر این باشد که گویشوران فارسی‌زبان در متن مکالمات مورد بررسی سعی در بیان جملاتی رسا و فاقد ابهام داشته‌اند، که با توجه به ساختار ادبی متن دور از ذهن نیست. همان‌طور که گفته شد اصل

کیفیت به لحاظ رعایت در جایگاه دوم قرار دارد. این نتیجه دور از انتظار و غیر منطقی نیست، به نظر می‌رسد، ضروری‌ترین اصل از اصول گرایس که گویشوران آن را کمتر نقض می‌کنند، اصل کیفیت است، زیرا این اصل به طور مستقیم، مربوط به میزان صدق گفتار می‌شود. طبیعی است که گویشور تا جایی که بتواند منظور خود را با نقض دیگر اصول منتقل کند از نقض اصل کیفیت خودداری می‌ورزد. لیچ (۱۹۸۳) معتقد است که اصول گرایس، اگرچه در روشن کردن جنبه‌هایی از نقش بینا فردی، به‌ویژه در تفسیر ذهنیت گوینده موفق است، ولی به‌خودی‌خود در تفسیر نقش بین شخصی از توضیح دو نکته ناتوان است: یکی اینکه چرا مردم اغلب اوقات در گفتار، به کنایه متوسل می‌شوند و از صراحت کلام پرهیز می‌کنند و دیگر اینکه چه رابطه‌ای بین منظور و معنی مدنظر است وقتی که گویشور، جمله‌های غیر خبری یا تعجبی را، برای بیان مقصود برمی‌گزیند. به همین دلیل او قواعد آداب‌دانی در گفتار را فرارو می‌نهد تا به مدد آن‌ها در کنار استفاده از اصول گرایس، بتواند به شناخت بهتری از نقش بینا فردی و کاربرد زبان در موقعیت نائل آید. لیچ معتقد است یکی از اهداف اصلی منظورشناسی - جامعه‌شناختی، همان‌گونه که او مجسم می‌کند، فهم این موضوع است که چطور جوامع مختلف این راهکارها را به شیوه‌های مختلف به کار می‌برند، برای مثال دانستن اینکه آیا راهکارهای ادب نسبت به اصول همکاری در موقعیت‌های خاص جایگاه بالاتری دارد یا نه؟ یا مثلاً یکی از راهکارهای اصول ادب (pp) نسبت به راهکارهای دیگر از اهمیت بیشتری برخوردار است. به‌رحال باید اذعان شود که اگر استثنائات آشکار اصل همکاری به‌طور موجه توضیح داده نشوند اصل همکاری در جایگاه متزلزلی قرار خواهد داشت. و به این دلیل است که اصل ادب می‌تواند به اصل همکاری اضافه شود البته نه به‌عنوان یک اصل دیگر بلکه به‌عنوان یک مکمل ضروری، که کمبودهای اصل همکاری را توجیه می‌کند.

۳-۴- تجزیه و تحلیل بندهای فاقد منظوره‌های ضمنی بر اساس اصول همکاری گرایس و اصول ادب

لیچ

جدول ۵- موارد رعایت اصول همکاری گرایس

گرایس	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی نسبی تجمعی	درصد
اصل کمیت	۳۰	۱۷/۵	۱۷/۵	%۱۷/۵۴

اصل کیفیت	۴۷	۲۷/۵	۴۵	%۲۷/۴۸
اصل تناسب	۴۵	۲۶/۳	۷۱/۳	%۲۶/۳۱
اصل شیوه بیان	۴۹	۲۸/۷	۱۰۰	%۲۸/۶

بیشترین مورد رعایت اصول گرایس مربوط به اصل شیوه بیان با میزان %۲۸/۶۵ است و کمترین مورد رعایت شده مربوط به اصل کمیت است که %۱۷/۵۴ موارد رعایت را به خود اختصاص داده است.

جدول ۶- موارد نقض اصول همکاری گرایس در بندهای فاقد منظورهای ضمنی

گرایس	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی نسبی تجمعی	درصد
اصل کمیت	۲۵	۵۱	۵۱	%۵۱
اصل کیفیت	۸	۱۶/۳	۶۷/۳	%۱۶/۳۲
اصل تناسب	۱۰	۲۰/۴	۸۷/۸	%۲۰/۴۰
اصل شیوه بیان	۶	۱۲/۲	۱۰۰	%۱۲/۲۴

همان‌گونه که مشاهده می‌شود بیشترین مورد نقض شده مربوط به اصل کمیت است که %۵۱ موارد نقض را به خود اختصاص داده است و کمترین مورد نقض مربوط به اصل شیوه بیان به میزان %۱۲/۲۴ است.

جدول ۷- موارد رعایت اصول ادب لیچ

لیچ	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی نسبی تجمعی	درصد
اصل کاردانی	۹	۲۰	۲۰	%۲۰
اصل گشاده‌دستی	۱۴	۳۱/۱	۵۱/۱	%۳۱/۱
اصل مردم‌داری و گشاده‌رویی	۶	۱۳/۳	۶۴/۴	%۱۳/۳
اصل فروتنی	۴	۸/۹	۷۳/۳	%۸/۸
اصل موافقت	۹	۲۰	۹۳/۳	%۲۰
اصل همدردی	۳	۶/۷	۱۰۰	%۶/۶

جدول فوق بیانگر این است که بیشترین مورد رعایت شده مربوط به اصل گشاده‌دستی به میزان ۳۱٪ است و کمترین مورد مربوط به اصل همدردی به میزان ۶/۶٪ درصد است.

جدول ۸- موارد نقض اصول ادب لیچ

درصد	فراوانی نسبی تجمعی	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	لیچ
۳۰/۷۶٪	۳۰/۸	۳۰/۸	۸	اصل کاردانی
۰٪	۳۰/۸	۰	۰	اصل گشاده‌دستی
۴۲/۳۰٪	۷۳/۱	۴۲/۳	۱۱	اصل مردم‌داری و گشاده‌رویی
۲۶/۹۲٪	۱۰۰	۲۶/۹	۷	اصل فروتنی
۰٪	۱۰۰	۰	۰	اصل موافقت
۰٪	۱۰۰	۰	۰	اصل همدردی

جدول فوق بیانگر این است که بیشترین مورد نقض اصول ادب مربوط به اصل مردم‌داری و گشاده‌رویی به میزان ۴۲/۳۰٪ است و کمترین مورد نقض مربوط به اصل فروتنی به میزان ۲۶/۹۲٪ است.

جدول ۹- مقایسه بیشترین موارد رعایت و نقض اصول همکاری گرایس و اصول ادب لیچ

اصول ادب لیچ		اصول همکاری گرایس	
بیشترین موارد نقض	بیشترین موارد رعایت	بیشترین موارد نقض	بیشترین موارد رعایت
مردم‌داری و گشاده‌رویی ۵۱/۶٪	کاردانی ۲۸/۱۲٪	کمیت ۵۱/۶۱٪	شيوه بیان ۳۵/۱٪
مردم‌داری و گشاده‌رویی ۴۲/۳۰٪	گشاده‌دستی ۳۱٪	کمیت ۵۱٪	شيوه بیان ۲۸/۶۵٪

جدول فوق نمایشی از مقایسه بیشترین موارد رعایت و نقض هر دو اصل دربندهای حاوی منظورهای ضمنی و بندهای فاقد منظورهای ضمنی است همان طور که مشاهده می شود بیشترین موارد رعایت و نقض در هر دو اصل یادشده دربندهای مورد مقایسه به جز یک مورد یعنی بیشترین موارد رعایت اصول ادب لیچ یکسان است، - البته توزیع یکسان موارد فوق کاملاً تصادفی است - نتیجه به دست آمده از تحلیل جدول می تواند گویای این امر باشد که بین موارد رعایت و نقض اصول یادشده دربندهای حاوی منظورهای ضمنی و بندهای فاقد منظورهای ضمنی تفاوت معناداری وجود ندارد. یعنی گویشوران گفتگوهای یادشده نه تنها در بیان منظورهای ضمنی همیشه اصول ادب را رعایت نکرده اند بلکه گاهی بیان آن ها در جهت عکس بوده است، یعنی از منظورهای ضمنی برای نشان دادن خشم و نفرت نسبت به طرف مقابل یا تحقیر او استفاده کرده اند. بنابراین می توان به این نتیجه رسید که گویشوران فارسی زبان در متن مورد نظر الزاماً منظورهای ضمنی را جهت گریز از نقض اصول ادب به کار نمی برند، زیرا شیوه رعایت و نقض اصول یادشده هم در گفتار غیرمستقیم آن ها وهم منظورهای ضمنی نسبتاً یکسان است و تفاوت چشمگیری ندارد.

۵- نتیجه گیری

با توجه به بررسی ها و تحلیل های به دست آمده، بیشترین موارد نقض اصول گرایس مربوط به اصل کمیت است که نتیجه به دست آمده در جهت اثبات فرضیه اول پژوهش است. بعلاوه نتایج تحلیل ها در نهایت بیانگر این بود که اصول ادب لیچ به صورت جامع قادر به تبیین موارد نقض اصول گرایس در متن مورد بررسی نیستند که نتیجه حاصل فرضیه دوم پژوهش را نقض می کند و به جای آن می توان گفت که موارد رعایت اصول ادب لیچ به صورت فراگیر قادر به توجیه موارد نقض اصول گرایس نیستند. همچنین با توجه به نتایج به دست آمده بیشترین مورد رعایت اصول ادب مربوط به اصل کاردانی است و کمترین مورد رعایت مربوط به اصل فروتنی است که ۵۰٪ از فرضیه سوم اثبات و ۵۰٪ آن نقض می شود و به جای آن می توان گفت که بیشترین مورد رعایت اصول ادب مربوط به اصل کاردانی و کمترین مربوط به اصل فروتنی است.

پس از بررسی نتایج به دست آمده مشخص شد که گویشوران این مکالمات در افاده منظورهای ضمنی از میان اصول گرایس بیشتر اصل کمیت را نقص کرده اند، یعنی در گفتار خود حد و اندازه را رعایت

نکرده‌اند. بالاترین درصد رعایت اصول گرایس مربوط به اصل شیوه بیان به میزان ۳۵/۱٪ از مجموع موارد نقض اصول گرایس تعلق دارد. پس از آن اصل کیفیت با اختلاف ناچیزی در جایگاه دوم موارد نقض به میزان ۳۴/۹٪ قرار می‌گیرد. که نتایج به دست آمده گویای این مطلب است گویشوران یادشده جملاتی رسا و فاقد ابهام داشته‌اند که با توجه به ساختار ادبی متن منطقی است، هم‌چنین به نظر می‌رسد چون اصل کیفیت مربوط به درستی گفتار است کمتر نقض شده است. مکالمات فوق علاوه بر اصول گرایس بر اساس اصول لیچ نیز تحلیل شدند، معلوم شد بیشترین مورد رعایت ادب مربوط به اصل کاردانی به میزان ۲۸/۱۲٪ است. یکی دیگر از پرسش‌های مطرح شده در پژوهش بررسی موارد رعایت اصول ادب لیچ در توجیه موارد نقض اصول گرایس بود. نتایج به دست آمده در مورد رعایت اصول ادب لیچ در برابر نقض اصول همکاری گرایس نشان داد که در منظوره‌های ضمنی ۶۴ مورد رعایت و ۶۰ مورد نقض اصول ادب را داشتیم، موارد رعایت ادب در برابر نقض اصول گرایس در جهت تصدیق این ادعای لیچ است که گویشوران، برای رعایت ادب تعمداً راهکارهای گرایس را نقض می‌کنند، اما موارد نقض اصول ادب در برابر موارد نقض اصول گرایس در تحلیل منظوره‌های ضمنی گویای این نکته است که اصول ادب لیچ به صورت جامع قابلیت توجیه موارد نقض اصول گرایس را ندارند و نیازمند بسط و بررسی دقیق‌تری هستند. برای بررسی دقیق‌تر، موارد رعایت و نقض هر دو اصل را در بندهای فاقد منظوره‌های ضمنی نیز مورد تحلیل قرارداد و نتایج به دست آمده را با نتایج قبلی مقایسه کرد بین موارد مقایسه شده تفاوت معناداری یافت نشد. نتایج نشان داد گویشوران این مکالمات در بیان منظوره‌های ضمنی نه تنها همیشه اصول ادب را رعایت نکرده‌اند بلکه گاهی آن‌ها را نقض هم کرده‌اند. بنابراین می‌توان گفت گویشوران فارسی‌زبان در متن مورد نظر برای افاده منظوره‌های ضمنی الزاماً اصول ادب لیچ را رعایت نکرده‌اند. یعنی اصول ادب لیچ قادر به توجیه نقض موارد اصول گرایس نیستند و نیازمند بررسی گسترده‌تری هستند.

منابع:

پاکروان، حسین، ۱۳۸۳، تحلیل منظور شناختی محاوره فارسی، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره اول، دوره بیست و یکم
 دانشور، سیمین، ۱۳۴۹، سووشون، تهران: نشر خوارزمی

لطفی پور ساعدی، کاظم، ۱۳۸۷، درآمدی به اصول و روش ترجمه، تهران: مرکز نشر دانشگاهی
 نیلی پور، رضا و لطف‌الله، یارمحمدی، ۱۳۸۱، فرهنگ‌نامه موضوعی توصیفی علوم انسانی، فرزانه
 مهر، تهران (جلد اول)
 یارمحمدی، لطف‌الله، ۱۳۹۹، درآمدی به گفتمان‌شناسی، انتشارات هرمس، تهران (چاپ سوم).

Resources

Brown, G. and Yule, G., ۱۹۸۹, Discourse Analysis, Cambridge: Cambridge University Press.
 Grice, H. P., ۱۹۸۱, "Presupposition & Conversational Implicature", in P. Cole (ed.) Radical Pragmatics, New York: Academic Press.
 Grice, H. P., ۱۹۷۵, Syntax and Semantics, New York: Academic Press.
 Kempson, R. M., ۱۹۷۹, Semantic Theory, Cambridge: Cambridge University Press.
 Leech, G., ۱۹۸۳, Principles of Pragmatics, London: Longman.
 Lyons, J., ۱۹۹۱, Semantics, Vol. ۱. Cambridge: Cambridge University Press.
 Thomas, J., ۱۹۸۳, "Cross-Cultural Pragmatic Failure", Applied Linguistic, Vol. ۴, no. ۲.
 Yul, G., ۱۹۸۵, The Study of Language Cambridge: Cambridge University Press.

Examining "Implicatures" in the Discourses of the Sushun Book by Simin Daneshvar: Grice's Cooperative Principles and Leech's Politeness Principles in Focus

Azhar Bagheri Masoudzadeh

Doctorate of English Language, Bakhsh English Language, Wahd
Kerman, Daneshgah Farhangian, Kerman, Iran

Ali Asghar Rostamy Abu Saeedi

Doctorate of English Language and Literature Yes, Bakhsh Zaban and
English Literature, Danishgah Shahid Bahonar, Kerman, Iran

Akram Shekarian Behzadi (Novesandeh Official)

Diplomats, Bakhsh Zaban English, Wahd Kerman, Daneshgah
Farhangian, Kerman, Iran

Abstract

This research has analyzed the "implicatures" in the discourses of the Sushun book by Simin Daneshvar based on the Grice's Cooperative Principles as well as the Leech's Politeness Principles. The study has also examined their function in the intendedvdiscourse texts. In fact, in this study, an attempt is made to provide observations on why and how such "implicatures" are inferred and understood. In order to collect data, the researchers first extracted the conversations containing implicatures from the Sushun book, and the cases of violations and compliance with the Grice's cooperative principles were identified and collected in these conversations, then the cases of Leech's politeness principles of politeness were extracted, and the mentioned theoretical framework. was employed and analyzed in order to explain the implicatures. Data have been analyzed in statistical tables and graphs and the results obtained from the data analysis indicated that the most cases of violation of Grice's principles are related to the principle of quantity. The results also revealed that Leech's Politeness Principles are not always able to interpret the violation of Grice's Cooperative Principles. Moreover, based on the results, the highest

compliance with the principles of politeness is related to the principle of cooperation, and the lowest compliance is related to the principle of modesty.

Keywords: Implicatures, Leach's politeness principles, Grice's cooperative principles, speech-action

